



شماره ثبت: ۲۴۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم فهرست مطالب

۲.....	مفهوم شناسی غیبت
۲.....	مبحث پانزدهم: وحدت و تعدد مخاطب
۲.....	الف) تعدد مخاطب
۲.....	ب) عناوین کلی
۲.....	اشکال
۳.....	مبحث شانزدهم: معلومیت و مرددیت مغتاب
۳.....	اقسام مرددیت
۴.....	بیان اقوال
۴.....	دلیل نظر امام (ره)
۴.....	دلیل نظر آیت الله خویی (ره)



مفهوم شناسی غیبت

مبحث پانزدهم: وحدت و تعدد مخاطب

تنبيه پانزدهم در ذیل مفهوم غیبت، تعدد مخاطب است.

در اینجا دو مطلب را باید توجه کنیم:

الف) تعدد مخاطب

مغتاب لازم نیست که شخص واحد باشد. ممکن است مغتاب یک نفر یا چند نفر باشند، ممکن است جماعت یا اهالی یک شهر باشند. این امر محل اختلاف نیست. اگر کسی به صورت جمع غیبی کند، حرام است. ممکن است کسی با عناوینی که شمول دارد غیبت کند، مثلاً کسانی که در فلان درس شرکت می کنند، فلان هستند. یا حتی ملت فلان، فلان هستند. تمام این ها حرام است.

ب) عناوین کلی

در حرمت غیبت، شخص واحد یا تعداد معین، شرط نیستند؛ بلکه هر تعدادی را که یا با اسم یا با عناوین کلی غیبت کند، شامل می شود. ادله حرمت غیبت تمام این ها را شامل می شود. این عناوین هم ممکن است صنفی، شهری، مجموعه ای باشد. که در هر یک از این ها تفاوتی نمی کند و غیبت شامل آن می شود. این عنوان کلی به تعداد منحل می شود. در شخص هایی که عیب باشد، غیبت است و در شخص هایی که عیب نباشد، شامل تهمت می شود.

البته باید توجه کنیم که عقاب به تعداد افراد غیبت شونده، تعدد پیدا می کند. گاهی شخص یک نفر را اسم می برد و گاهی ده نفر اسم می برد که در این صورت ده گناه انجام داده است. یا حتی با عناوین کلی، یک مجموعه انسان را غیبت می کند، این تعدد غیبت را می آورد.

اشکال

حضرت امام (ره) می فرمایند: گاهی در روایات در مورد یک قبیله یا قوم، عیوبی را ذکر کرده اند.

امام (ره) برای این موارد، وجوهی را بیان کردند:



شماره ثبت: ۲۴۸۴

(الف) این‌ها امور مکشوفی بوده است و مستور نبوده است.

(ب) اهل آن قوم، از این امر ناراحت نمی‌شدند.

(ج) ظاهر این روایات شمول نیست و منظور بعض است.

(د) تمام این روایات ضعیف السند هستند.

(ه) نوعی مردم‌شناسی علمی است.

این توجیهاتی است که امام (ره) برای این مطلب آورده‌اند.

بعضی وقت‌ها، حرف‌ها از روی صحبت‌های علمی و مردم‌شناسی است بلکه غیبت نیست. مثلاً امام علی (ع) در نهج‌البلاغه اوصاف مردم کوفه را بیان می‌کند. این‌ها بیان تحلیلی است و شمول غیبت بر آن وجود ندارد.

مبحث شانزدهم: معلومیت و مرددیت مغتاب

آیا در حرمت غیبت شرط است که مغتاب، معین و معلوم بالتفصیل باشد؟ یا اینکه در جایی که مجمل و مردد هم باشد، شامل حکم غیبت می‌شود؟

اقسام مرددیت

مرددیت به معنای تعدادی از یک مجموعه است. این مرددیت به چند قسم تقسیم می‌شود:

(الف) مطلق است. مثل احد الافراد یا جمع من هؤلاء. این عنوان با اقلیت سازگار است.

(ب) اکثریت است. مثلاً اکثریت این مجموعه.

یک نوع تقسیم‌بندی دیگر وجود دارد:

(الف) مرددیت به شکل شبهه محصوره: مثلاً یکی از سه نفر

(ب) مرددیت به شکل شبهه غیر محصوره: مثلاً یکی از بازاری‌های تهران



شماره ثبت: ۲۴۸۴

یک نوع تقسیم دیگر نیز وجود دارد:

الف) احد الفردین مجمل: در پیش غیبت شونده، فرد مشخص نیست.

ب) احد الفردین معلوم: در پیش غیبت شونده، فرد مشخص است.

اکنون باید ببینیم که غیبت شخص و یا اشخاص معلوم مطرح است یا اینکه مجهول نیز باشند تفاوتی نمی‌کند؟

بیان اقوال

در اینجا دو نظر وجود دارد:

الف) معلومیت شرط است. اگر مردد بشود، غیبت مانعی ندارد. مرحوم خویی (ره) بر این نظرند.

ب) معلومیت شرط نیست. اگر مردد بشود، غیبت حرام است. نظر حضرت امام (ره) بر این نظرند.

دلیل نظر امام (ره)

در دلیل غیبت، ایشان فرمودند: «ذکرک اخاک بما یکره» حقیقت غیبت است. در ادله نیز قید معینیت برای اخاک نیامده است. ایشان می‌گویند در شبهه‌ی غیر محصوره، سیره‌ای داریم که شامل غیبت نمی‌شود.

در نتیجه ایشان می‌گویند معلومیت شرطیت ندارد ولی محصور بودن شرط است. فقط در شبهه‌ی غیر محصوره، انصراف به وجود می‌آید. این انصراف نیز به خاطر قراین موجود است. مبنا نیز «ما یکره» است.

دلیل نظر آیت‌الله خویی (ره)

همین‌که مرددیت بشود، غیبت نیست. حتی در احد الفردین نیز مانعی وجود ندارد. ایشان می‌فرمایند در محصوره نیز ایرادی ندارد. زیرا تعریف غیبت، کشف ماستر الله است. ایشان می‌فرمایند در اینجا کشف ستری نشده است.

جمع‌بندی



شماره ثبت: ۲۴۸۴

در غیر محصوره اختلافی نیست. در محصوره نیز دو نظر وجود دارد. امام (ره) می‌فرمایند اشکال دارد و آقای خویی (ره) می‌فرمایند اشکال ندارند. هر دو نیز بر اساس معنای غیبت این نتیجه را گرفته‌اند. هر کدام یک قید را از غیبت مبنا قرار داده‌اند.

اشکال

در همین نگاه ابتدایی متوجه می‌شویم که استدلال بر مبنای معنای غیبت، قابل خدشه است. زیرا اگر کسی بگوید «مایکره» یعنی هر دو ناراحت شدند. این یعنی دو غیبت است. اینجا خیلی بعید است که هر دو ناراحت بشوند و دو غیبت باشد. این نیز اول کلام است. دلیل انصراف به جایی دارد که شخصی که درباره‌ی او صحبت می‌کنیم ناراحت بشود. ولی مقصود باید معیناً ناراحت بشود، ولی شخص معلوم نیست که ناراحت بشود.

فرمایش آیت‌الله خویی (ره) نیز اشکال دارد. زیرا «ماستر الله علیه» در زمانی است که کشف ستر در مورد شخص می‌کند. مهم نیست که شخص معلوم باشد، همین که کشف ستر فی‌الجمله بکند، دارای ایرادی است.

البته این دو اشکال تام نیست.

جواب اشکال

ما قبلاً بیان کردیم که ما قید «ماستر الله» را قبول داریم. در نتیجه ما باید نظر آیت‌الله خویی را قبول کنیم.